



## روسیه شریان حیاتی دریای مازندران را قطع کرد و نگرانی‌ها برای بروز خشک‌سالی شدید در شمال ایران بالا گرفته است

# خزر در مخمصه

**مهفام سلیمان‌بیگی**؛ در غرب ایران پرآب‌ترین جلگه کشور، یعنی خوزستان خشکیده و دریاچه ارومیه نفس‌هایش به شماره افتاده است. در شرق هامون جان داد و سیستان و بلوچستان و خراسان را بیابانی کرده و با خشکیدن تالاب گاوخونی و زاینده‌رود، مرکز ایران گرفتار فرونشست عمیق شده است. وضعیت قرمز آب تا شمال ایران پیشروی کرده و سیل جمعیت مهاجر را به استان‌های حاشیه خزر کوچانده است. به تازگی رضا افلاطونی، رئیس سازمان امور اراضی اعلام کرده «حدود ۸۰۰ هزار نفر در دو سال اخیر به مازندران مهاجرت کرده‌اند و اگر این روند همین‌طور ادامه داشته باشد، شاهد مهاجرت‌های گسترده از استان‌های فارس و سیستان و بلوچستان که فرونشست‌های زیاد در آن رخ داده، خواهیم بود». به‌جز این مجله علمی نیچر نزدیک به پنج سال پیش گزارش داده بود که تنها ۳.۵ درصد از خاک ایران حاصلخیز مانده و وضعیت مناسبی برای کشاورزی دارد که این زمین‌های حاصلخیز تقریبا همگی در شمال ایران واقع شده‌اند.

باین‌حال اخبار خوبی از شمال کشور به گوش نمی‌رسد و اداره ایمنی و حفاظت دریایی گیلان خبر داده که روسیه ورودی آب رودخانه ولگا به دریای خزر را بسته است و خزر در یک دهه اخیر ۱۸۰ سانتی‌متر کاهش تراز آبی داشته که ۶۰ سانتی‌متر کاهش تراز آب خزر در دو سال اخیر رخ داده است.

ولگا حدود ۸۶ درصد حقباه خزر را تأمین می‌کند و قطع شریان حیاتی خزر، نگرانی گسترده‌ای برای زندگی در شمال ایران را به دنبال داشته است.

**زندگ هشارادری خزر**

به گفته علی سلاجقه، رئیس سازمان محیط زیست، کشورهای همسایه ورودی آب به خزر را بسته‌اند و در این میان بیشترین تأثیر را قطع ورودی ولگا دارد. تاکنون ۸۵ درصد آب خزر را رود ولگای روسیه تأمین می‌کرد ولی حالا احداث سدهای جدید توسط این کشور موجب عقب‌نشینی شدید خزر شده است.

آن‌گونه که محمد درویش، کارشناس منابع آب و محیط زیست به «شرق» می‌گوید با از دست‌رفتن خزر مهم‌ترین و دیرینه‌ترین رویشگاه جنگلی جهان یعنی هیرکانی کاملا از بین خواهد رفت و فجایعی چنان بزرگ خلق می‌شود که نابودی ارومیه و آرال پیش آن جزئی است. او پیش‌بینی می‌کند در دو دهه آینده نیمی از وسعت خزر کاهش پیدا کند و با افزایش کانون‌های کرد و بغار، شهرهای شمالی برای اولین بار در وضعیتی مشابه اهواز،

ایلام و دهلران قرار گرفته و فرایند نابودی تمام جنگل‌ها و شالیزارها آغاز می‌شود. کارشناس و برخی نمایندگان مجلس علت چنین وضعیتی را ضعف عملکرد دولت و انفعال در دیپلماسی آب معرفی می‌کنند و می‌گویند در شرق کشور، افغانستان حقباه هیرمند را پرداخت نمی‌کند، در شمال غرب، ترکیه با سدسازی نفس ارس، دجله و فرات را بریده است و در غرب عراق با اقداماتش باعث خشک‌شدن تالاب‌های بین‌النهرین شد و دولت در تمام این موارد دیپلماسی ضعیفی داشته است و حالا روسیه تکرار همین ماجراست.

سه‌شنبه ۱۷ مرداد، علی منتصرکوهساری، رئیس اداره ایمنی و حفاظت دریایی گیلان ضمن ابراز نگرانی شدید از کاهش تراز آب خزر خبر داد و گفت در یک دهه اخیر خزر با کاهش ۱۸۰سانتی‌متری تراز آب مواجه بوده و ۶۰ سانتی‌متر از کاهش تراز آب خزر در دو سال اخیر رخ داده است.

بیش از ۱۳۰ رودخانه به دریای خزر می‌ریزند و رود ولگا در روسیه به تنهایی نزدیک به ۸۵ درصد آب دریای خزر را تأمین می‌کند اما حالا هم از بسته‌شدن ورودی رود ولگا به خزر خبر در دست مطالعه و ساخت روی رودخانه ولگا موجب کاهش دبی آب ورودی به دریای خزر و افزایش شدت روند عقب‌نشینی آب در ساحل جنوبی دریای مازندران یا همان خزر شده است. به‌جز او، اخیرا رئیس سازمان محیط زیست داده است.

علی سلاجقه توضیح داده است که ورودی‌های دریای خزر، مخصوصا ورودی رود ولگا، از سوی کشورهای همسایه بسته شده است و تراز آب دریا درحال پایین‌رفتن است، تا جایی که برخی آمار و اطلاعات اعلام‌شده، حکایت از آن دارد که آب خزر قریب یک متر در چهار، پنج سال اخیر عقب‌نشینی داشته است، یعنی به‌طور میانگین دریای خزر هر سال ۲۰ سانتی‌متر عقب‌نشینی می‌کند.

سلاجقه همچنین گفته بود: «امیدواریم در قالب کنوانسیون تهران بتوانیم هم حقبابه‌ها و هم آلایندگی را حل کنیم. کشورهای همسایه دریای خزر در زمینه اجرای پروژه‌های مشترک مشکلی ندارند ولی در زمینه استقرار دبیرخانه کنوانسیون مشکل وجود دارد که اگر این مشکل حل شود، پروژه‌ها قابل استفاده است.»

**ترکیه تهدید ارس؛ روسیه تهدید خزر**

پیش از این در خرداد امسال عبدالجلال اری، عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی درباره وضعیت حقباه ایران از خزر ابراز نگرانی

کرده بود.

او از مکاتبات با وزارت امور خارجه درباره تعیین تکلیف حقباه ولگا از روسیه در پی مسدودکردن این رود و عقب‌نشینی آب دریای خزر و نهایتا واردشدن خسارت به سواحل ایران خبر داد و گفت: «برخی کشورهای حوزه دریای خزر از قبیل ترکمنستان و قزاقستان به دلیل خسارت‌های واردشده به مناطق ساحلی کشورشان حقباه دریافت می‌کنند و ایران هم باید بین‌النهرین شد و دولت در تمام این موارد دیپلماسی ضعیفی داشته است و حالا روسیه تکرار همین ماجراست.

باین‌حال ظاهرا باوجود وعده وزارت امور خارجه به این نماینده، تا امروز پیگیری این موضوع از اولویت‌های وزارتخانه خارج بوده است.

جلال محمودزاده، عضو کمیسیون کشاورزی، آب و محیط زیست مجلس شورای اسلامی هم در اعتراض به انفعال دیپلماسی آب به خبرآنلاین گفته است: «زمانی که ترکیه روی ارس، دجله و فرات اقدام به سدسازی کرد، وزارت امور خارجه ایران عملکرد مؤثری نداشت و نبود رویکرد مناسب وزارت امور خارجه برای آب‌های مرزی کشور و همچنین انفعال مسئولان در مقابل طالبان برای بازپس‌گیری حقبابه هیرمند هم باعث شد روسیه از فرصت سوءاستفاده و اقدام به سدسازی روی رودخانه ولگا کند. درواقع این سکوت مسئولان در مقابل تاراج منابع طبیعی باعث دست‌درازی سایر کشورها به منابع طبیعی دیگر شده است و پیگیری‌نکردن حقوق ایران در زمینه آب‌های مرزی از طرف رؤسای جمهور دولت‌های مختلف موجب شده امروز کشوری مانند روسیه با سدسازی خود روی ولگا نشان دهد مانند ترکیه و افغانستان برای منافع خود حاضر به نادیده‌گرفتن حق سایر کشورهاست و همین مسئله موجب خواهد شد این مشکلات دنباله‌دار دامن کشورهای عضو مجمع خزر را بگیرد.»

به گفته او روسیه با سدسازی متعدد در مسیر دریای خزر منجر به ایجاد مسائل متعددی از جمله خشک‌سالی و بی‌کاری مردم منطقه و از جمله صیادان می‌شود.

همچنین از آنجا که وضعیت منابع آب استان‌های شمالی ایران تعریفی ندارد و خلیج گرگان، آشوراده و سایر پهنه‌های طبیعی شمال کشور دچار کم‌آبی شده‌اند و تالاب‌ها به مرور زمان ذخایر خود را از دست داده‌اند، با این اقدام روسیه وضعیت منابع آبی در نواحی شمالی ایران وخیم می‌شود.

هدایت فهمی، مدیرکل سابق دفتر منابع

آب وزارت نیرو هم نسبت به ضعف دیپلماسی آبی کشور معترض است. او در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند که با ادامه‌یافتن روند فعلی از سوی روسیه، حجم آب دریاچه خزر کم و دریاچه کوچک می‌شود، هم‌زمان تبخیر هم در حال افزایش است و این شرایط به جایی می‌رسد که به نفع هیچ‌کس نیست چراکه آثار بسیار مخربی روی گونه‌های زیستی در دریاچه می‌گذارد و موجب افزایش حجم آلاینده‌ها در دریاچه می‌شود.

فهمی غیرشفاف‌بودن سهم ایران از خزر را عامل مهمی در بحران فعلی می‌داند و در این زمینه توضیح می‌دهد: سهم ایران از رژیم حقوقی خزر مسئله بسیار مهمی است و از نظر ژئوپلیتیکی این مسئله باید به شکل درستی حل شود اما دیپلماسی آب ایران شدیدا ضعیف است. تا جایی که اکنون در شرق و در افغانستان حقبابه‌مان را ندادند و در شمال غرب هم درگیر رود ارس هستیم. در واقع دیپلماسی ما آب کاملا غیرفعال است و هیچ کاری در این زمینه انجام نمی‌شود. وقتی در زمینه دیپلماسی فعال نباشیم و توانیم حداقل حقوق کشور را احیا کنیم تبعا کشورها هر کدام دنبال منافع خودشان می‌افتند و مایلند که آب‌های ورودی به کشور را به عنوان حربیه‌ای برای روز مبادایشان نگه دارند و کنترلش کنند.

این کارشناس تأکید می‌کند: بحث خزر بسیار مهم است؛ چون دریاچه لحظه به لحظه در حال کوچک‌ترشدن است. لازم است از طریق مراجع بین‌المللی هم که شده، این مسئله را دنبال کنیم و وقت آن رسیده است که منافع ملی کشور با جدیت دنبال شود و با هر کشوری که منافع ملی ما را نشانه بگیرد مماشات نشود. باید سیاست‌های مقطعی در رابطه با برخی کشورها را کنار گذاشت و فقط منافع پایدار و درازمدت ملت و کشور را لحاظ کرد. م به عنوان یک متخصص حوزه آب عمیقا معتقد هستم که مسئله آب در ایران مامشات‌بردار نیست و حیات سرزمینی نشانه گرفته شده است و متولیان باید با عزم راسخ دنبال دفاع از منافع کشور بیفتند مسئله خزر چه از نظر حقبابه ایران و چه ورود آلاینده‌ها و فاضلاب‌ها به این دریاچه به طور جدی پیگیری شود.

**ولگا،رگ حیات خزر**

محمد درویش، کارشناس منابع آب و محیط زیست هم درباره خشک‌شدن که خزر را تهدید می‌کند به «شرق» توضیح می‌دهد که فاجعه آبی بیخ گوش کشور است. او در ادامه می‌گوید که ولگا از نمادهای ملی روسیه است و با بیش از ۳۶۰۰ کیلومتر طول از ۱۱ شهر این کشور می‌گذرد و روسیه سال‌هاست طرح‌های متعددی برای سدسازی و افزایش بارگذاری آب در حوزه صنعت و کشاورزی را تا افق ۲۰۵۰ برای این رودخانه در نظر گرفته است. به گفته این کارشناس سال‌هاست که متخصصان در این زمینه هشدار می‌دهند و می‌گویند که اگر به سرعت سراغ تدوین یک نظام حقوقی مستحکم در دریای خزر نرویم که هر پنج کشور حاشیه خزر آن را امضا کرده باشند با بحران جدی روبه‌رو خواهیم شد.

او توضیح می‌دهد: هنوز حقبابه‌های کشورهای عضو کاسپین با دقت و شفافیت تعیین نشده و مشخص نیست کاسپین سالانه چه مقدار حقبابه از قزاقستان، ایران، آذربایجان، ترکمنستان و روسیه نیاز دارد و در حال حاضر همه کشورها اجازه نمی‌دهند حتی قطرهای آب وارد کاسپین شود و این مسئله شامل حال ایران هم شده و حتی ایران هم روی رودهای اترک، گرگان، سفیدرود و همه رودخانه‌هایی که به سمت کاسپین روانه می‌شوند، ده‌ها سد زده و کشت‌وصنعت‌های بزرگ تأسیس کرده است. از طرف دیگر اگر پروژه سدسازی ترکیه روی ارس اجرا شود در واقع مهم‌ترین رودخانه نیمه جنوبی کاسپین را از بین برده است و در مجموع شرایط آینده کاسپین بسیار نگران‌کننده است چون آن منطقه متأثر از تغییرات شدید اقلیمی و خطر جهان‌گرمایی هم بوده است و

هم‌زمان میزان تبخیر و دما به شدت در حال افزایش بوده و بارندگی شدیدا در حال کاهش است. علاوه بر این، ورودی آب هم بسیار کاهش داشته است. در مقابل اما این فاضلاب‌هاست که افزایشی شده است. در این شرایط بسیاری از گونه‌های زیستی خزر در معرض انقراض هستند از جمله ماهی خزری و ماهی کیلکا و….

درویش معتقد است که تنها امید این سال‌ها که توانسته بود خزر را حفظ کند ولگا بود که آن هم حالا دیگر از دست رفته است.

به گفته این متخصص «آورد سالانه ولگا به خزر ۹۳۰ میلیارد مترمکعب است. برای درک بزرگی آن با حجم آب کارون مقایسه کنید که فقط ۱۴ میلیارد مترمکعب است، در واقع کارون در برابر ولگا شیر سمآوری بیش نیست!».

به اعتقاد این کارشناس اگر نتوانیم با روسیه سر این مسئله کنار بیاییم کار همه تمام است حتی خود روسیه. چون منطقه تبدیل می‌شود به بزرگ‌ترین پهنه تولید کرد و خاک و کانون فرسایش بادی که آسیا و خاورمیانه و مناطق گسترده‌ای از آسیای مرکزی و حتی بخشی از اروپا را متأثر می‌کند و یک فاجعه بین‌المللی را رقم می‌زند.

آن‌گونه که درویش می‌گوید مهم‌ترین و دیرینه‌ترین رویشگاه جنگلی جهان یعنی هیرکانی که ثبت یونسکو شده، با از دست رفتن خزر کاملا از بین خواهد رفت و فجایعی چنان بزرگ خلق می‌شود که نابودی ارومیه و آرال پیش آن جزئی خواهد بود و بنا بر تخمین نهاده‌های پژوهشی بین‌المللی یکی از نشانه‌های مرگ سیاره زمین در ۲۰۷۰ خشک‌شدن کاسپین است که از آن به عنوان آغاز انقراض هفتم یاد می‌شود.

**شمال ایران ۲۰سال دیگری می‌خشکد؟**

درویش در پاسخ به این پرسش که چه زمانی بحران‌های ناشی از خشکی و کوچک‌شدن خزر، شمال ایران را درگیر می‌کند؟، این‌گونه پاسخ می‌دهد: «بهترین وضعیت عمق کاسپین در جنوب آن یعنی در ایران است. بنابراین کمترین تبعات تخریبی اکنون در ایران مشاهده می‌شود. در قزاقستان و ترکمنستان ماه‌هاست پهنه‌های تولید گردوخاک ایجاد شده است و شمال خزر عمق آب کم است و عقب‌نشینی نمود بیشتری دارد. پس تا ۱۰ سال آینده مردمان شمال ایران چندان احساس خطر نمی‌کنند اما اگر روند ادامه یابد پیش‌بینی من این است که تا دو دهه آینده یعنی از وسعت خزر کاهش پیدا می‌کند و بخش‌های شمالی دریاچه کاملا از دست می‌رود. بنابراین وسعت کانون‌های تولید گرد و خاک بیشتر می‌شود و زمانی که جریان باد از شمال به جنوب باشد شهرهای شمالی برای اولین بار شرایطی شبیه اهواز، ایلام و دهلران پیدا می‌کنند و درگیر گرد و خاک شدید می‌شوند. با این گرد و خاک‌ها فرایند فتوسنتز در جنگل‌ها مختل و فرایند نابودی جنگل‌ها و شالیزارها آغاز می‌شود.

درویش درباره راهکار برون‌رفت از این وضعیت می‌گوید که «کشورهای اطراف کاسپین باید گفت‌وگو کنند و لازم است که چهار کشور دیگر همراه ایران متعهد شوند که حقباه خود به کاسپین را بپردازند و از سیاست‌های آزمندانه‌شان فاصله بگیرند. ما نه تنها حقبابه پرداخت نمی‌کنیم که دنبال پروژه‌های شیرین‌سازی هم هستیم و می‌خواهیم از خزر آب به ارومیه و سمنان ببریم. سایر کشورهای پیرامونی خزر هم مشابه ایران رفتار و سیاست‌گذاری کرده‌اند و بیشترین آلودگی نفتی را جمهوری آذربایجان به خزر وارد می‌کند.»

با این‌حال کارشناسان منابع آب تأکید می‌کنند که دولت‌ها نه تنها درباره آب‌های مرزی که درباره آب‌های درون‌مرزی هم ناکارآمد عمل کرده‌اند و هم‌اکنون دریاچه ارومیه، تالاب گاوخونی، دریاچه هامون، تالاب بختگان و هورالعظیم و سایر منابع آبی مهم کشور خشکیده‌اند و بحران آب نتوانسته است متولیان اجرایی کشور را متوجه فاجعه‌ای کند که حیات سرزمینی ایران را به مخاطره انداخته است.

### یادداشت

## اقتصاد ملی و خسارت‌های گزکارکردی انتخاباتی


**ناصر ذاکری**
**کارشناس اقتصادی**

منظور از گزکارکردی انتخاباتی بروز وضعیتی است که انتخابات نتواند خواست و سلیقه سیاسی و مدیریتی جامعه را با تقریبی قابل‌قبول نشان بدهد. در جوامع امروزی انتخابات سازوکاری است که از طریق آن اراده و آرمان اکثریت جامعه معین شده و مسیر حرکت جامعه برگزیده می‌شود.
باین‌حال این سازوکار کاستی‌های خود را دارد. برای نمونه ممکن است برخی گرایش‌های سیاسی موردعلاقه شهروندان از جانب هیچ‌یک از احزاب فعال در فضای سیاسی جامعه نمایندگی نشوند. یا اینکه رای‌دهندگان نمی‌توانند رای نامزدهای موردنظر خود درمورد اتفاقات سال‌های آتی را پیش‌بینی کنند. ازاین‌رو انتخابات را می‌توان روشی دانست که خواست و اراده سیاسی اکثریت جامعه را با درصدی خطا معین می‌سازد.
با این تعریف گزکارکردی انتخاباتی موجب بزرگ‌شدن بیش‌از‌حد مجاز این خطا می‌شود. برای نمونه در حالت عادی ممکن است یک گرایش سیاسی محبوب که تمایل ۶۰ درصد شهروندان را به خود جلب کرده، در یک انتخابات سالم بین ۵۵ تا ۶۵ درصد صندوق را به خود اختصاص بدهد اما با وجود گزکارکردی انتخاباتی و با عنایت به اینکه قوانین ناظر بر برگزاری انتخابات را صاحبان کدام سلیقه سیاسی تدوین می‌کنند، ممکن است هشمش به ۸۰ درصد و یا حتی ۴۰ درصد برسد.
به‌طوری‌که سلاجقه می‌شود بروز گزکارکردی انتخاباتی به‌ویژه درحالتی که تمایل سیاسی طبقه حاکم همسو با عموم مردم نباشد، می‌تواند ابزاری برای تثبیت قدرت طبقه حاکم و جلوگیری از حاکمیت اراده عامه مردم باشد. نتیجه و دستاورد استفاده افراطی از این ابزار ازیک‌سو پیروزی حزب اقلیت بر اکثریت و از سوی دیگر نامیدی عامه مردم از انتخابات و کاهش درصد مشارکت سیاسی خواهد بود.

اما نکته مهمی که در تحلیل‌های مرتبط با گزکارکردی انتخاباتی چندان به آن پرداخته نمی‌شود، خسارت سهمگینی است که این پدیده به اقتصاد ملی می‌زند. گسترش ابعاد فرار نخبگان و متخصان، خروج نیروی سرمایه از کشور، هم‌تمایل شرکای بالقوه خارجی به مشارکت و سرمایه‌گذاری، گسترش فعالیت‌هایی از نوع دلالی و سفته‌بازی و بی‌اعتنایی به فعالیت‌های اقتصادی بلندمدت همه و همه آثار و نتایج گزکارکردی انتخاباتی هستند. زیرا از یک‌سو نخبگانی که جامعه برای تربیت آنان هزینه هنگفتی متحمل شده، با رسیدن به این باور که نمی‌توانند نقشی در تعیین سرنوشت سرزمین مادری خود داشته باشند، اندوهگینانه تصمیم به مهاجرت می‌گیرند تا در سرزمین دیگر بخت و اقبال خود را بیازمایند و از سوی دیگر فعالان اقتصادی و شرکای بالقوه خارجی به آینده ثبات سیاسی جامعه بدبین شده و ریسک سرمایه‌گذاری و مشارکت بلندمدت را بالا آریزایی می‌کنند.

جامعه امروز ایران بسیاری از این‌علامت‌های منفی را که می‌توانند ناشی از بروز گزکارکردی انتخاباتی باشند، نشان می‌دهد؛ مهاجرت نخبگان ابعاد سرسام‌آوری به خود گرفته و خسارت بزرگی به اقتصاد ملی زده، به‌گونه‌ای که حتی سخنوران مدافع وضع موجود هم کم‌کم زبان به اعتراض گشوده‌اند. در برخی حوزه‌ها جریان مهاجرت حتی به رده‌های میانی تخصص و مهارت نیز رسیده است و کشورهای منطقه برای صید ماهی از آب گل‌آلود مهاجرت برنامه‌های سنجیده‌ای تدوین کرده‌اند. در حوزه خروج سرمایه هم با چنین وضعیتی روبه‌رو هستیم و فعالان اقتصادی که عرضه را برای خود تنگ می‌بینند، راه خروج را در پیش می‌گیرند. نزدیک به دو دهه پیش رئیس وقت قوه قضائیه در نشست‌ی قریب به این‌مضمون گفت که بزرگ‌ترین مگر این است که بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه کشورمان در ساحل جنوبی خلیج فارس متمرکز شده و به‌جای رونق‌بخشیدن به اقتصاد ملی چراغ خانه همسایه شده است. به‌این‌ترتیب در شرایطی که کشورهای درحال رشد با سرسختی تلاش می‌کنند از طریق به‌کارگیری نیروی متخصص و سرمایه خود و سایر کشورها به بالاترین نرخ رشد اقتصادی دست بیابند، ما با سهل‌انگاری فقط تماشاگر جریان مهاجرت نخبگان و خروج سرمایه کشور هستیم.

روشن است که دشواری‌های برشمرده و خسارت‌های وارده بر اقتصاد ملی علل و ریشه‌های مختلفی دارند اما تردیدی نمی‌توان داشت که گزکارکردی انتخاباتی یا حداقل باور بخش بزرگی از جامعه به بروز این پدیده نامطلوب یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل در این میانه است. وضع موجود قوانین و رویه‌های انتخاباتی هرچند ممکن است شانس موفقیت یک حزب کمتر محبوب در سطح جامعه را افزایش بدهد و مقدمات تشکیل یک دولت حداقلی را فراهم بیآورد اما خسارتی که به‌ویژه در بلندمدت به اقتصاد ملی می‌زند، بسیار مرگبار است. ازاین‌رو همه صاحب‌منصبان باید این حقیقت هرچند تلخ را ببیزند که شرط لازم تقویت جایگاه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور و به‌اصطلاح عامیانه کم‌نیابورند در مقابل رقبای سرسخت منطقه‌ای، اصلاح رویه‌های انتخاباتی و گریز هوشیارانه از دام هرنوع گزکارکردی انتخاباتی یا حتی شبانه‌بروز آن است. در چنین فضایی احزاب اقلیت باید از طریق افزودن بر درجه خدمتگزاری و جلب اعتماد مردم و نه از طریق اعمال رویه‌های قانونی خاص در میدان انتخابات به فکر پیروزی بر حریفان خود باشند.

<sup>[1]</sup> شمس‌الاحق کاشانی، کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید که با ادامه‌یافتن روند فعلی از سوی روسیه، حجم آب دریاچه خزر کم و دریاچه کوچک می‌شود، هم‌زمان تبخیر هم در حال افزایش است و این شرایط به جایی می‌رسد که به نفع هیچ‌کس نیست چراکه آثار بسیار مخربی روی گونه‌های زیستی در دریاچه می‌گذارد و موجب افزایش حجم آلاینده‌ها در دریاچه می‌شود